



دوره هفتم تقنینیه

<p>جاسه ۱۰۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۶</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمین ۲۲ اسفند ماه ۱۳۰۸ مطابق ۱۲ شوال ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك مجلس ایران سالانه ده تومان خارجی « دوازده تومان قیمت تک شماره یک تیران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و دوم اسفند ماه ۱۳۰۸ (دوازدهم شوال ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور اول لایحه ایجاد وزارت اقتصاد ملی
- ۳) شور اول لایحه تنبیه مسکوک رایج مملکت و تبدیل واحد آن بطلا
- ۴) اعلام لایحه تفریح بودجه ۲۰۷ و بودجه ۲۰۹ مجلس
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه بیستم اسفند ماه را آقای اورنگ (منشی) قرائت نمودند

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
 یاسائی - چرا بنده عرض دارم .
 رئیس - بفرمائید .
 یاسائی - عرض میشود در ماده سی و پنج صورت مجلس
 در این طور خواندند پیشنهاد آقای فیروز آبادی را
 بنده اصلاح کردم باین عبارت که با رضایت مدعی

و محکوم له در قسمت اخیر ماده اضافه شود در صورتیکه
 بنده نوشتم و دادم به آقای مؤید احمدی که عبارت اصلاح
 شده این طور است : و با رضایت مدعی و محکوم له سپردن
 مال توقیف شده بخود محکوم علیه و مدعی علیه الزامی است
 یعنی آن جا بنظر محکوم له است . عبارت این طور اصلاح شود
 رئیس - اصلاح میکنیم همین طور که فرمودید .

[۲ - شور اول لایحه ایجاد وزارت اقتصاد ملی]

عین مذاکرات مشروح صد و شصتین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه آقایان : حسنعلی میرزا دولتشاهی - بور محسن -
 غواجوی - فرخی - الفت - طباطبائی وکیل - ارباب کیخسرو - رفیع - زهرا تاش
 غائبین بی اجازه - آقایان میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - اصف - اعظم - اسدی - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا -
 میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
 دیر آمدگان با اجازه : آقایان : سید کاظم - بروجردی

رئیس - خبر کمیسیون فوائد عامه راجع بوزارت اقتصاد قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون فوائد عامه با توضیحات بیشتری که دولت در لایحه نمره ۱۰۳۸۱ دادنجدید نظر در خبر تقدیمی خود را لازم دانسته و خبر تقدیمی مربوط به لایحه مزبور را استرداد مینماید و عین لایحه دولت را با (حذف جمله ملک) از آخر ماده ۲ و اضافه جمله ذیل به آخر ماده مزبور (و تنظیم و توسعه کشتی رانی و اداره کردن امور بندری است) تصویب و خبر آرا برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میدارد:

(عین لایحه تقدیمی دولت با تغییرات فوق که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده بمضمون ذیل قرائت شد)

نظر بلزوم توجه مخصوص در مسائل اقتصادی ملک و نظر با اهمیت فوق العاده مطلب که مستلزم داشتن مسئولین مخصوص است هیئت دولت مقتضی میداند که وزارتخانه مخصوصی از نقطه نظر اجرای برگرام اقتصادی ملک تشکیل شود و بنا بر این لایحه قانونی ذیل تقدیم میشود

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون بجای وزارت فوائد عامه و فلاحت و تجارت که فعلاً موجود است دو وزارتخانه ذیل تأسیس میشود:

۱ - وزارت طرق و شوارع

۲ - وزارت اقتصاد ملی

ماده ۲ - وظایف وزارت طرق و شوارع مراقبت در ایجاد و نگاهداری راه های آهن و شوسه و تنظیم و توسعه کشتی رانی و اداره کردن امور بندری است

ماده ۳ - وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولده ثروت عمومی و بکار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل معادن و جنگلها و ترویج فلاحت و مخصوصاً ترقی محصولات فلاحتی قابل صدور و تطبیق اصول فلاحتی با اصول علمی جدید و تکمیل وسایل آبیاری و آباد کردن اراضی بائر و توجه مخصوص به

رئیس - آقای حاج امین .

حاج میرزا حبیب الله امین - عرض کنم که علاوه بر این که بنده با این لایحه کاملاً موافق هستم مفتخر هستم که در يك موقعی این لایحه میگردد که بنده هم یکی از نمایندگان هستم که به این لایحه رأی میدهم ولی در اینجا يك موضوعی را که در عمل شاید دچار اشکال و زحمت بشوم خواستم تذکر بدهم و آن این است که: وظائف وزارت اقتصاد را البته همین طوری که در این جا معین شده است فراهم نمودن موجبات آن چیز هائی است که در این جا معین و نوشته شده است این جا را بنده حرف دارم از این که فراهم نمودن موجبات منجر باین بشود که وزارت اقتصاد بخواند خودش تجارت کند یعنی بخرد و بفروشد یا در عمل زراعت هم مداخله کند و بعبقیده بنده گمان میکنم که هیچیک از آقایان این نظر را نداشته باشند (صحیح است) که وزارت اقتصاد داخل در معاملات بشود، بخرد، حمل کند، نقل کند و تجارت بکند و این کار مردم است (صحیح است) این کار کار وزارتخانه نیست و هم چنین آقایان می دانند که در هیچ کجای دنیا دولت تجارت نمیکند دولت تجار و زارعین را نگاهداری میکند نه اینکه کار آنها را انجام دهد مسلم است علاوه بر اینکه در این قسمت موجب ضرر از برای تجار و زارعین است و سبب بیکاری مردم میشود دولت را هم بنده تصور نمیکم که از تجارت هیچوقت فایده ببرد، دولت فایده نخواهد برد يك مثل است که میگوبند يك حبسی از يك محبس فرار کرد چنداناً فراش که آنجا بودند بامر فراشباشی او را تعقیب کردند هر چه دویدند او را نگرفتند اینها که برگشتند فراشباشی آنها را ملامت کرد و گفت شما چند نفر بودید چطور شد که این یک نفر را نتوانستید بگیرد هر کدام يك عذری آوردند یکیشان گفت خیر آقا اینها نیست او برای خودش میدوید و ما برای شما میدویدیم (آقا سید یعقوب - صحیح است) بنده البته

نمیخواهم عرض کنم که مستخدمین دولت و عمال دولتی دلسوزی ندارند البته دلسوزی دارند ولی تاجر و زارع برای خودش میدود آنها مثلاً برای دولت میدوند . بنا بر این بعبقیده بنده هرگاه وزارت اقتصاد از منافعی که تجار یا زارعین با ملائکین از زراعت و تجارت میبرند مرفقند از منافع آنها دریافت کند البته چیز نامشروعی نخواهد بود و البته در مواعی که کار سخت باشد و پول لازم باشد تا هر اندازه که دولت پول لازم داشته باشد میتواند از منافع تجار بگیرد و آن بعبقیده بنده هیچ عیبی ندارد . چون در آن دو قسمت انحصاری که از مجلس گذشت یکی انحصار تریاک و یکی دخانیات گاهی این طور فهمیده میشود که دولت بی میل نیست که خودش این دو تجارت را بکند و شاید وسائلی فراهم نبوده است و وزارت اقتصادی نداشته است که آن وزارتخانه بخواند این کار را بکند و وقتی که وسائلی این کار فراهم شد و وزارت اقتصادی تشکیل شد ممکن است که يك تشکیلاتی هم بدهند که آن قوانین انحصار را هم عملی بکنند همانطور که در قانون نوشته شده در صورتیکه اگر نظر آقایان باشد در موقعی که آن دو قانون از مجلس گذشت با توجه باینکه این کار را دولت نخواهد کرد تصویب شد . (نمایندگان - صحیح است) و خاطر محترم آقایان متوجه باین بود که این صورت ظاهر است یعنی این مونوپل بدست دولت می افتد از برای گرفتن آن عوارض و آن مالیات بود و همه میدانستیم که دولت این کار را خودش نخواهد کرد ولی حالا وزارت اقتصاد تشکیل میشود بنده نمیدانم که دولت در صدد يك همچو کاری خواهد بود یا خیر . این بود که خواستم بنده تذکر بدهم که دولت نباید مستقیماً تجارت با زراعت کند و باید تجار و زارعین را نگاهداری کند (صحیح است)

وزیر عدلیه (آقای داور) - بنده تصور میکنم که نماینده محترم از نقطه نظر عشق و علاقه که به تجارت

و تجار دارندخواستند این جا مذاکره در تقویت تجارت و تجار بکنند و برای این آمدند يك فرضی پیدا کردند خودشان که روی آن فرض بتوانند صحبت کنند و الا بنده کاملاً بی بینم که این طور نیست و از عبارت ماده هم هیچ همچو چیزی بیرون نمی آید و کاملاً اطمینان میدهم که مقصود از فراهم کردن موجبات این نیست که دولت خودش مشغول تجارت و فلاح و زراعت شود (صحیح است) موجبات تکثیر قوه مولد ثروت را در يك مملکت فراهم کردن همان دایوری است که يك قسمتش در همه جا شده است و يك قسمت هم متناسب با احتیاجات در ایران خواهد شد يك کارهایی هست که در سایر جاها دست افراد است و در آینه در ایران هم بدست افراد خواهد بود مثلاً برای اینکه شما بخواهید قوه مولده مملکت را زیاد بکنید باید يك اطلاعات علمی و فنی را در میان مردم منتشر کنید و سعی کنید که مردم بتوانند فلاح خودشان را برترتیب دیگر درس اقدام کنند و بیشتر کنند این کتابچه هایی که فرض بفرمائید باید چاپ شود و این اطلاعاتی که باید مردم داده شود این يك چیزی است که باید خود مردم بکنند و طبیعتاً این يك چیزی است که هر کس میتواند بکند ولی امروز يك طوری است که باید دولت بکند و بعلاوه در طرز و نوع جنسی که عمل می آورند اگر بنا باشد این کار نشود که مطالعات بیشتری را نکنیم که بتوانیم که جنس هایی را که باید تهیه کنیم طوری باشد که بازار داشته باشد و ترتیبی باشد که بمصرف فروش برسد مسلم است با این ترتیب قوای مولده مملکت زیاد میشود و مردم آنوقت نتیجه میگیرند و از برای اینکار آوردن متخصص و جمع کردن اطلاعات و دادن اطلاعات بمردم لازم است اینها کارهایی است که دولت باید بکند حالا اینها را بنده بطور مثال عرض کردم و الا فراهم کردن موجبات یکی و دو تا و ده تا نیست و هیچکدام از آن چیزهایی که ما جزء موجبات فراهم کردن گرفتیم در وقت نوشتن

این لایحه عبارت از این نیست که دولت بخواد خودش فلاح باشد و دولت خودش تاجر بشود
 کازرونی - مجلس هم بروی آن تصورات رأی نمیدهد رئیس - آقای طهراني موافقید ؟
 طهراني - خیر بنده عرض داشتم توضیحی میخواهم یکی از نمایندگان - نه موافقت نه مخالفت
 رئیس - بفرمائید

طهراني - بنده البته نظر مخالفی ندارم یعنی نمیتوان داشته باشم (صحیح است) بهترین لایحه که بنده گمان میکنم در تمام ادوار به مجلس پیشنهاد شده است لایحه اقتصادیات است و چون اینجا مجلس شورای ملی است و تمام مردم هم متوجهند به این مسئله که يك مسئله مهمی است بنده میخواستم بیشتر در این موضوع مذاکره بشود و توجه مردم جلب شود که بدانند دولت چه اقدام اساسی را در نظر گرفته است و چه قدمهای حیاتی میخواهد بردارد که مردم هم باین نیت دولت کمک کنند و جفا استقبال کنند و زراعت و فلاح و تجارت و آنچه که از دستشان بر می آید آنها هم همراهی بکنند عرض کنم بطوری که آقای حاج امین اظهار داشتند و آقای وزیر عدلیه مدافعه کردند که دولت مقصودش تجارت نیست دولت مقصودش فلاح نیست مقصودش این است که موجبات توسعه تجارت و فلاح را فراهم کند ولی بنده تصور میکنم که توضیح بیشتری خوب بود در این قسمت داده بشود که بچه وسیله دولت میخواهد وسائل را فراهم کند این يك امر کلی است بنده عرض میکنم تمام اصلاحاتی که از بدو ظهور پهلوی تا کنون شده است تمام اصلاحات فرع بر این مسئله است یعنی اگر ما توانستیم اقتصاد مملکت را اصلاح کنیم و اگر توانستیم یعنی در راهروی توانست کاری بکنند که مردم ثروتمند و صاحب دایه بشوند ما دیگر نقصی نداریم و ما میتوانیم خودمان را جزء ملل راقیه بدانیم ما دو نقص داشتیم یکی

اعتدال ماورین کشوری و لشکری بود که آن بحمدالله حل شد و خوب شد نظامیها را که وضعیتشان را خود آقایان و همه میدانند که از همه جا خیر داریم که تمام در حدود وظائف خودشان عمل میکنند عمل تعدی ماورین کشوری هم پس از تشکیل دیوان جزا و اهتمام ذات مقدس ملوکانه بحمدالله رفع شده است فقط چیزی که امروز اسباب خرابی مملکت است و آن را باید اصلاح کرد آن مسئله اقتصاد است این را همه آقایان میدانند و بنده من باب تذکر عرض میکنم که امروز ملت آلمان بعد از آن عمارت عظیم بعد از آن همه خسارات و غرامات که توانستند اعتبار خودشان را نگاهدارند و توانستند پول خودشان را نگذارند از اعتبار بیفتند فقط در سایه ثروت ملت بود دولت وقتی ثروت دارد، دولت وقتی اعتبار دارد که ملتش هم دارای ثروت باشد ملتش چیز دار باشد اگر افراد ملت دارای ثروت شدند میتوان گفت که دولت هم دارای اعتبار است و اگر نشدند نمیتوان گفت که آن دولت دارای اعتبار است. بنا بر این آقای وزیر عدلیه آنچه که اظهار کردند می خواستم در این موجبات ایشان يك قدری بیشتر توضیح بدهند که یعنی چه این موجبات ؟ البته دولت باید موجبات تجارت را فراهم کند ولی این موجبات چه موجباتی است یعنی متخصص آوردن از خارجه؛ یعنی چهار نفر مستشار را آوردن و کمترت گرفتن و سالی ده هزار تومان، بیست هزار تومان پول دادن که از آن احتیاجات و ضروریاتی که ما امروز داریم آنها ما را مطلع کنند؟ ما چه چیزهایی میخواهیم امروز ما باید نگاه کنیم خیلی از ممالک متمدنه اروپا حمل میشود نگاه میکنند که این جنس باب آن جایی باشد که میفرستند در گمرک در سرحد يك صندوق چائی بپایند نمیگذارند از کلکته حمل شود آن جنس که باب حرف است باب ایران است نمیگذارند اصلاً جنس تقلبی حمل شود برای این که اگر يك چنین جنسی حمل شود نقلی باشد آن جنس زمین میخورد و ضرر برایشان

دارد . باید بدانیم این را در نظر خواهند گرفت که آن چیزی که از مملکت صادر میشود طوری باشد که در بازار های خارجه خریدار داشته باشد ؟ این اهتمام را خواهند کرد که پنبه که صادر میشود پاك کرده برود دو قسمت بشود میوجات اگر خشك بشود طوری که باب بازار های خارج باشد قیمت طلا بفروش میرسد و ما هیچ اهمیت نمیدهیم و يك شب در فرا کسیون صحبت شد دیدیم بطور تمسخر تلقی میشود که همین حنا را اگر بيك ترتیب و فرمول صحیحی ترتیب بدهند مثلاً در جعبه های کوچک و بزرگ کنند و بفرستند بارو یا طلا بر میگردد ما زور همین طور کتیراش همین طور حیوانات را اگر طوری تربیت کنند که دارای ناخوشی نباشند و صحیح باشند و بخارج برود البته کمک به اقتصاد و تجارت است راجع به مسئله زراعت و فلاح اگر نظر دولت این است که مثل مدرسه کرج یا مثل اسباب و آلای که تقریباً شاید دو سه میلیون از اول مشروطیت از بدو انقلاب از وقتی که این صداها بلند شده است (بلکه بنده درست اطلاع ندارم) شاید بیش از دو سه میلیون خرج شده است برای ماشین آلات و ادوات و مدرسه این کارها را بکنند گمان نمیکم عملی باشد بنده تصور میکنم که این قدمهایی که برای ترویج فلاح تا بحال برداشته شده است غلط بوده است باید فکر يك راههایی را کرد که مفید باشد واقعاً دولت در این فکر باید باشد و تشکیل وزارت اقتصاد واقعاً برای این باشد که تمام همش را صرف کند تحصیل کند نه برای این باشد که تمام همش را صرف کند که مردم حقیقتاً صاحب عایدی شوند اگر مردم عایدی داشته باشند دولت عایدی دارد واقعاً باید کاری بکند که مردم صاحب عایدی و صاحب نشاط شوند واقعی يك يك کسانی باشند که در موقع دولت بتواند از آنها تقاضای کمک و اعانه کند این نظریات بنده بود که خواستم عرض کنم که همه آقایان مطلعند و متذکرند این مهمترین لایحه ایست که بمجلس آمده است و بنده تمام کارها را فرع این میدانم اگر این مسئله اصلاح شد همه چیز داریم طرق

و شوارع و امنیت و استقلال داریم اگر این نشده هیچکدام را نداریم کسی که معاش ندارد نه ملیت دارد نه وطن دارد و نه دین دارد هیچ چیز ندارد این را باید ماعتراف کنیم و وسائلش را فراهم کنیم

وزیر عدلیه - تصور میکنم که لازم نباشد بنده جوابی عرض کنم برای اینکه آقا رو بهمرفته تذکراتی دادند و کلیات فرمودند مکرر عرض کردم که وقتی که دولت خواسته است بیاید و یک وزارتخانه خاصی تشکیل بدهد برای این بوده است که در آتیه باین مسائل یک توجهی بشود که تا بحال وسائل آن فراهم نبوده است و توجه نشده است بهمین جهت آمده است وزارت فوائد عامه را دو وزارتخانه کرده است و بهمین جهت این مسئله را در نظر گرفته است و وقتی وزارت اقتصاد درست میشود از برای این است که در هر قسمت از عملیات مربوط باین کار یک اقدامات مقتضی و مشروعی در نظر گرفته است و الان بنده توضیحات زیادی را لازم نمیدانم بدعم (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون بجای وزارت فوائد عامه و فلاحه و تجارت که فعلا موجود است دو وزارتخانه ذیل تاسیس میشود

۱ - وزارت طرق و راه آهن

۲ - وزارت اقتصاد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - گرچه آقای وزیر عدلیه کسالت دارند و نمیتوانند توجه بکنند و جواب بنده را بدهند... وزیر عدلیه - کسالت ندارم

زوار - حالشان خوب است

آقا سید یعقوب - ولی بنده میخواهم عرض کنم که توجه بفرمائید وهم امضا صحبت شما بنده کسالت نیستم چنانچه خاطر آقایان هم مستحضر است ماده اول لایحه ام المراسلات یعنی هرکس نظری در کلیات دارد میتواند در ماده اول نظری را بگوید در این جا مایک وزارت فوائد عامه داشتیم از دوره دوم مجلس تا حالا و وزارت فوائد عامه هم متعددی انرژی بوده است و اداراتی در آن وزارتخانه بوده است حالا آمده اند آن ادارات را بدو تقسیم کرده اند یکی تقسیم طرق و شوارع و کشتی رانی که بنده یک پیشنهادی هم تهیه کرده ام و تقدیم میکنم و یکی دیگر هم اداراتی که راجع باقتصادات است اینها را که آقای حاج امین تجرید و آقای طهرانی بیان کردند یک مسائلی بود که بنده خواستم در این جا بدانم دولت در تقسیم این کار چه نظر دارد بچه معنی؟ باین معنی که نظامنامه که از برای این وزارتخانه نوشته شده است . چطور است . چنانچه در نظر تان باشد در دوره ششم قانونی گذشت که وزارتخانه ها مکلف باشند که تشکیلات وزارتخانه شان را به مجلس بیاورند تا اینکه مجلس از طرف تشکیلات وزارتخانه آنها اطلاع داشته باشد ولی آن قانون را عملی نکردند و تا حالا آن تشکیلات را نیاوردند بنده عقیده ام این بود که دولت . هیئت وزراء هم این قانون تشکیل وزارتخانه را هم بیاورند مثلا بنده نوشته است که وزارت طرق و شوارع و کشتی رانی یا بحر پیمائی دیگر ترتیب اداره کردن این تشکیلات چه جور است معلوم نیست فقط یک عبارت نوشته است وزارت اقتصاد ملی و بعد در کمیسیون فوائد عامه کلمه ملی را انداختند بعد دولت گفته است که چه ما داریم همین ملی است ملی را چرا انداخته این مسئله را که آقای وزیر عدلیه فرمودند و آن وزیر مالیه هم شاید بفرمایند ما از مقام حرفی عمل خیلی راه داریم و از زمین تا آسمان خیلی راه است همین جوری که آقای امین التجار فرمودند

می بینم که بیش از این دیگر نمیخواهم از موضوع خارج شوم تا این که شما تشکیلات وزارتخانه تان را بیاورید ما نمیتوانیم درست نظر کنیم و باید معلوم کنید که در این کار ما چه نظری داریم ممکن است یک دفعه دولت بگوید که ما میخواهیم تمام تجارت را در دست بگیریم بسیار خوب این یک ترتیبی است این را بنویسید صورت تشکیلات را بنویسید که اقتصاد ما باین ترتیب است از برای تجارت این جور در نظر گرفته شده است از برای زراعت این جور در نظر گرفته شده است از برای تشکیل دادن شرکت ها و دادن امتیازات و استخراج معادن این ترتیب قرار گذارده شده است تا این که با یک شوق و شغفی تبریک بگوئیم و افتخار کنیم که ما امروز کاملا میدانیم که امروز دولت قانون تشکیل وزارت اقتصاد را آورده است که ما از روی بصیرت رأی به آن میدهیم دارای چهار اداره است این اداره اش کارش این است این اداره کارش این است و آن شرکتی که تشکیل میشود آن کسی که اجازه شرکت بگیرد مطمئن میورد غلب تشکیل خودش آن امتیازی را که من میگیرم و امضای شود مطمئن هستیم آن امتیاز من محکم و مستحکم است هیچ توبی نمیروم آن را برهم نمیزند مطابق قانون و مطابق نظامنامه امتیاز را میگیرم میروم عقب کارم و دولت هم حفظ امنیت را بکنند امتیازی را که از برای آبیاری فلان آدم و رعیت میگیرد یا از برای فلان زراعت فلان دسته میگیرند مطمئناً کاغذ نوی بغلش گذاشته مثل چه مثل وحی مغزول مثل قانون اساسی که تمام ما ها باین حافظ آن باشیم هر روز امنیت را حفظ میکنند اینها را بنده میخواستم آقای وزیر عدلیه اگر حال دارند این بیانات را بفرمایند که این تشکیلات است در نظر ما است این ترتیب است در نظر ما حقیقه حرکت دادن ملت است به اقتصاد و حرکت دادن ملت است به امنیت ایجاد کردن روح اتحاد و شرکت و مساوات و مساوات در اینها است و این عبارت است که بنده حفظ هستم وزیر عدلیه - در اینجا بنده بکفتری متحیرم که چه جواب عرض کنم خوب آقا یک کلیاتی را میگویند که

در آن کلیات بنده موافقم شما میگوئید که دولت مبادا اینک تمام تجارت را در نظر بگیرد دولت همچو کاری را نخواهد کرد شما میفرمائید که باید سعی کرد امور اقتصادی را درست کرد خوب این قدم اولی است که ما میخواهیم برداریم اما مسئله قانون تشکیلات که فرمودید قانون تشکیلات یک ملکیتی این را آقا باید گذاشت در هر قسمتی در اثر تجربه و احتیاجات پیش بیاید اولاً میدانید بنده که اینجا عرض میکنم برای عدلیه نمیگویم عدلیه سالهای سال است تشکیلات داشته است باینجهت تشکیلات دارد ولی خیلی از وزارت خانه های ما که سالهای سال است مشغول است هنوز تشکیلاتی ندارد تا چه رسد بوزارت خانه که تازه میخواهد تشکیل بشود قانون تشکیلات که شما میخواهید روی منطبق و اصول کلی بنویسید این بدرد زندگی و عمل نمیخورد باید ببینید در عمل چه بدردتان میخورد آنوقت آنها را اتخاذ بکنید (صحیح است) بنده خیال میکنم که آقا هم موافقت بفرمائید کلیات را بگذارید کنار تا مطلب تمام بشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - وظایف وزارت طرق و شوارع مراقبت در ایجاد و نگاهداری راه های آهن و شوسه و تنظیم و توسعه کشتی رانی و اداره کردن امور بندری است

رئیس - آقای عدل موافقت

عدل - خیر بنده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید

عدل - بنده تصور میکنم آقای مخبر در تنظیم این ماده

(که یک بخش اختلافی شده بود و از نو بعد تنظیم کردند) یک اشتباهی باز بر ایشان باقی مانده و این خبر ثانوی را که اصلاح کردند باز اشتباه دارد بنده خبر

اولی را میخوانم ملاحظه بفرمائید: وظایف وزارت طرق و شوارع مراقبت در ایجاد و نگاهداری راههای آهن و کشتی رانی دریاچه رضائیه و کلیه راههای مملکتی. بعد این را که اصلاح کردند مرقوم میفرمایند: و خیر تقدیمی مربوط به لایحه مزبور را استرداد مینماید و عین لایحه دولت را (حذف جمله مملکت است) از آخر ماده ۲ اضافه جمله ذیل به آخر ماده مزبور (و تنظیم و توسعه کشتی رانی و اداره کردن امور بندری است) تصویب و خبر آنرا برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میدارد. این را فراموش کردند که عبارت دریاچه رضائیه باید از اینجا برداشته شود کشتی رانی که فقط در دریاچه رضائیه نیست این است که بنده پیشنهاد کرده ام حالا تقدیم میکنم یکدفعه دیگر توجه بفرمایند آقای مخبر این باید اینطور نوشته شود ماده ۲ - وظایف وزارت طرق و شوارع مراقبت در ایجاد و نگاهداری کلیه راهها و تنظیم و توسعه کشتی رانی و اداره کردن امور بندری

اعتبار (مخبر) - اینجا آقای عدل گمان میکنم خودشان يك توجه بیشتری اگر میفرمودند از تمام این اصلاحاتی که کردند و تقدیم این پیشنهاد خود داری میکردند بالاخره ماده دو عین همان عبارتی است که شما پیشنهاد فرمودید (عدل - پس کلمه رضائیه را بردارید) با اضافه راه آهن ما راه آهن را هم فقط اضافه کردیم ماده ۲ و این جور تنظیم کردیم (صحیح است) در این صورت گمان میکنم اعتراض آقا وارد نباشد (عدل - صحیح نیست)

بعضی از نمایندگان - کافی است
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم عرض دارم

رئیس - خیلی موقع مانده است تا بشما برسد. آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - موافقم

رئیس - آقای کیا مخالفید؟
کیا - موافقم.
رئیس - آقای زوار مخالفید؟
زوار - موافقم.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

زوار - در کفایت مذاکرات بفرمائید
آقا سید یعقوب - اینجا آقای وزیر عدلیه بنده پیشنهادی هم کرده ام گمان میکنم آقا توجه نکند باشند يك موضوعی که نه در وزارت طرق و شوارع ذکر کرده اند و نه در وزارت اقتصادیات آن مسئله حل کردن شیلات است که در هیچیک از این دو نام شیلات نیست در این موضوع برای خاطر تذکر چون آقای مخبر و هم شما تشریف دارید در موضوع شیلات جزو شیلاتی که در هر جا داریم این مسئله مسئله است که گرچه قراردادی در مابین گذشته است و قرارداد هست امسال شکایات زیادی از صیادان رسیده این که زحمت کش هامعنی آن این است هر کس باید زحمتش را خودش بکشد معلوم میشود ما که میگوییم زحمت کش خیال میکنم مثل حکایت مسلمان است که اگر در مشرق مسلمانان باشد و در مغرب يك مسلمانان از گرسنگی بمیرد خوش کردن او است مسئله زحمت کش هم که میکنند معلوم شد زحمت او هم برای خودشان است زحمت کسپهای ما همین صیادان بندر پهلوی به فریاد و فغان افتادند که بابا ما قرارداد دادی که ما داریم عمل نمیشود ناچار شدیم بوقه مقام ریاست از وزارت مالیه سؤال کردیم آقای وزیر مالیه جواب داد که با وزارت فوائد عامه است وزارت فوائد عامه هم جواب نداده است بنده در اینجا مخصوصاً پیشنهاد میکنم که عرض کشتی رانی بجز پیمانی نوشته شود به علت اینکه بجز این يك کلمه است که تمام دنیا دارند ما چرا کشتی رانی نداریم (صحیح است) یکی هم مسئله شیلات است که حقوق و اعضای دولت نسبت به شیلات من برای خود

تذکر شما این را پیشنهاد کردم و نظرم این بود چون حفظ شیلات اینجا نوشته نشده نوشته شود
رئیس - مذاکرات کافی است؟
بعضی از نمایندگان - بلی
افسر - چرا جوابش را ندادید؟
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای عدل:

ماده ۲ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم
ماده ۲ - وظایف وزارت طرق و شوارع مراقبت در ایجاد و نگاهداری کلیه راهها و راه آهن و تنظیم و توسعه کشتی رانی و اداره کردن امور بندری است.
یک نفر از نمایندگان - همان است که خبر آنرا داریم بهتر -- اینکه عین ماده است
عدل - صحیح است
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم که در ماده دو عوض کلمه کشتی رانی نوشته شود بجز پیمانی و اداره کردن امور بندری و حفظ حقوق دولت نسبت بقرار داد شیلات
رئیس - ماده سوم قرائت میشود.

ماده سوم - وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولد ثروت عمومی و بکار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل معادن و جنگلها (ترویج فلاحت و مخصوصاً ترقی محصولات فلاحتی قابل صدور و تطبیق اصول فلاحتی با اصول علمی جدید و تکمیل وسایل آبیاری و آباد کردن اراضی باثرب و توجه مخصوص به بهبودی نژاد و تربیت و تکثیر حیوانات اهلی و تهیه موجبات مبارزه با آفات حیوانی و نباتی و فراهم آوردن موجبات ترقی و توسعه تجارت مملکت از نقطه نظر توسعه صادرات مملکت و تشویق بعمل آوردن امتعه مملکتی است در مملکت برای رفع حوائج داخلی تهیه و اصلاح مواد صادراتی مملکت بطوری که مطلوب

بازارهای خارجه باشد.
رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - عرض میشود بنده چند نظر داشتم که از نقطه نظر توضیح بعضی مسائل لازم دانستم عرض کنم در این ماده سه بطور کلی وظایف وزارت اقتصاد را شرح میدهد ولی بنظر بنده اگر يك توضیحات بیشتری داده شود از نقطه نظر تفکیک وظایف که در آیه يك مناقشاتی بین وزارت خانه ها پیدا نشود بهتر است یکی از آنها که میبایست در اینجا تصریح شده باشد و تکلیفش معلوم شده باشد نگهداری ابنیه دولتی است ابنیه دولتی در قسمت تشکیلات فوائد عامه هیچ نیست در کمیسیون بودجه بنظر می آید آقایان اعضا هم شاید یادشان باشد که يك اداره بنام اداره ابنیه در وزارت فوائد عامه بود و آن اداره حالا معلوم نیست بچه صورتی است گویا کوچک شده است (بیات - منحل شده است) اگر منحل شده است که خوشبختانه بهتر ولی بالاخره باید تصریح شود که نگهداریش با کیست ظاهر (عبدالحسین خان دیبا جزو وزارت مالیه است) اینست که نگهداریش با وزارت مالیه باید باشد ولی البته بنظر بنده اگر تصریح شود اینجا بهتر است یکی دیگر از چیزهایی که آقای آقا سید یعقوب تذکر دادند مسئله شیلات است بالاخره مسئله شیلات يك چیز هائی بنظر می آید باسم وزارت فوائد عامه در آنجا قید شده است و حالا این تکلیف را یعنی کسی که قائم مقام وزارت فوائد عامه است وزارت اقتصاد یا وزارت مالیه است بنظر بنده باید روشن باشد که وزارت مالیه آن وظایف را انجام بدهد با وزارت اقتصادیات کار های مربوطه اصلاً به صید (صید بطور کلی) چه مربوط بشیلات بحر خزر یا جای دیگر از مقررات مخصوصی یا صید های آزاد یا قسمت های دیگر یکی از چیز هائیکه بنده خیلی لازم میدانم که در اینجا مخصوصاً قید شود اگر چه البته در عمل خواهند کرد ولی این چون خیلی مهم است بنظر بنده باید در خود قانون قید شود بهتر است مسئله

نهییه اقتصادی مملکت عبارتی ندارد که شامل این قسمت بشود گر چه شامل وزارت اقتصاد هم هست ولی مطلب اینقدر مهم است بنظر بنده که باید در متن قانون قید شود که وزارت اقتصاد ملی یکی از وظایفش تهیه احصائیه اقتصادی است مخصوصاً در قسمت فلاحت خجالت آوراست که اگر مثلاً از آمریکا از یکی از وزارتخانههای ما بپرسند که در ممالک شما در سنه فلان چقدر محصول پنبه داشته و ما توانیم جواب بدهیم و واقع خجالت دارد که ما مورین دولت ما هم حتی در محل هم که هستند به نتیجه محصول فلاحتی آن محل اینقدر ها آشنا نیستند مثلاً حاکم نماینده دولت اگر پنجسال هم در محلی مانند باز وقتی مراجعت میکند ازش بپرسید که آقا هیچ فهمیدید که چقدر کتیرا در فلان حوزه شما جمع آوری میشود فلان قسمت چقدر انقوزه گرفته میشود هیچ فهمیدید که چقدر خشکه بار ممکن است داشته باشد ابداً وارد اینچور مسائل نیست و البته میبایستی وزارت اقتصاد ملی دارای يك تشکیلات منظمی در مرکز و همه جا باشد و یکی از کار های آن تهیه احصائیه مرتب باشد که سال بسال بیشتر بشود و همه اهالی مملکت مسبوق بشوند. هنوز قسمت بیشتر از قطعات مملکت و سکنه مملکت کاملاً نمیدانند که چه محصولات مرغوبی در سایر قطعات این مملکت است مثلاً شاید بنده هم که يك نماینده هستم اینقدر ها اطلاعاتی نداشته باشم که آیا فلان نقطه مملکت ممکن است مرکبات داشته باشد یا عمل بیاید یا نه. در ورامین مثلاً اگر زراعت پنبه توسعه داده شود چه نتایج عالی خواهد داشت آیا ممکن است در عراق پنبه را توسعه داد یا نه. بالاخره اینها يك اطلاعاتی است که هر چه توسعه پیدا کند این اطلاعات و در معرض افکار ملت گذارده شود يك اثرات مفید دارد و میبایست یکی از وظایف اولیه وزارت اقتصاد ملی این مسئله باشد دیگر از چیز هایی که لازم بود اینجا بنده بعرض برسانم مسئله آوردن مهاجرین برای فلاحت است مملکت ما بالاخره مثل خیلی از ممالک مثل رومانی یا بعضی ممالک فلاحتی دیگر دنیا مملکت فلاحتی است ما میخواهیم

محصولات فلاحتی و مواد خام و مواد اولیه را بدهیم و در افاضت مصنوعات خارجی را بگیریم اول ما باید این کار را بکنیم البته خودمان هم اگر يك مصنوعاتی بتوانیم تهیه کنیم اولی و انساب است ما اگر زراعت پنبه را در آنجا نماند که نکند توسعه بدهیم کار مشکلی نیست و اگر چنانچه خشکه بارمان را بطور بهتری تهیه کنیم که در تمام بازار دنیا مصرف داشته باشد اینقدر ها کار مشکلی نیست و متأسفانه فکر مردم بطوریکه یکمرتبه دیگر هم اینجا عرض کردم هنوز عوض نشده است که خودشان هم اینکار ها را تعقیب نکنند و دولت باید موجبات تشویق عملی را فراهم بکند پس بیشتر میبایست وزارت اقتصاد متوجه بامر فلاحت باشد و در درجه دوم در مسئله معادن. اگر ما بخواهیم منتظر باشیم که شاگردان از مدارس فلاحت بیرون بیایند و ادور فلاختی این مملکت را سر و صورتی بهش بدهید بنده که معتقد نیستم بنده عقیده قطعیم اینست که باید دولت موجبات تسهیل آمدن مهاجرین از آلمان از ایتالیا از سایر ممالک را فراهم بکنند و بالاخره آنها را از مالیات معاف بکنند اراضی خاصه اش را مفت بدهد بآنها بیایند بفلاحتی ما عمل فلاحت جدید را یاد بدهند که حیوانات اهلی را چطور باید تربیت کرد. زندگانی روستائی عبارت از چیست. انبیه روستائی را باید چطور تهیه کرد تمام اینها را باید مهاجرین خارجی بیایند در دهات این ممالک اقداماتی بکنند سایر دهاتی های ما هم یاد بگیرند بهترین طریقه و سهلترین طریقه همین است و هر چه در ترش بود این قضیه ما از يك منافع و استفادات فلاحتی بازمانده یکدفعه هم نمیدانم در دوره پنجم یا ششم بود طریقی از طرف نمایندگان در اینخصوص پیشنهاد شد و متأسفانه بعضی از اشخاص مخالفت کردند و قبول نکردند (آقای سید یعقوب اکثریت) ولی حالا من معتقدم دولت باید در قسمت اول برای اصلاح و بهبودی اوضاع فلاحتی توجهش را معطوف بکند بآوردن مهاجرین و تشویق آنها و نهایتاً در کار آنها تا دهاتین خودمان هم عملاً يك چیز

را یاد بگیرند و الا شاگردانی که از مدرسه فلاحتی در میآیند قسمت های سکونت شهری و سایه نشینی را ترجیح میدهند و حاضر نیستند که بروند در بیابان طبع مشغول فلاحت بشوند و زیر آفتاب زندگی بکنند فعلاً خیلی هست که روی کاغذ و از نقطه نظر نوشتن روی کاغذ درست درمی آید ولی از نظر عمل درست در نمی آید گفته میشود که قدر فلاحت بالاخره همینطور مدرسه فلاحت است شاگردش اگر دیپلمه اش در آمد باید شاگرد دیپلمه اش يك تاثیراتی در فلاحت مملکت داشته باشد ولی متأسفانه از نظر عمل تاثیری نمی بینیم یکی از چیز هایی که باز بنده عقیده دارم که اینجا عرض کنم آن این است که آقای وزیر مالیه موافقت بکنند که خالصجات دولتی را واگذار کنیم بوزارت اقتصاد. چرا؟ برای اینکه (يك شب هم در فراکسیون خدمت آقایان عرض کردم) اصلاح اوضاع فلاحتی باید از طرف دولت شروع بشود و در املاک خاصه دولتی عملاً کار هایی کند که سایر مردم یاد بگیرند و وقتی که خالصجات در دست وزارت اقتصاد ملی بشود تمام امور فلاحتی که میخواهد عملاً و عملاً انجام بدهد تا سایر مردم و ملّاکین هم تاسی بکنند و یاد بگیرند این است عقیده بنده و این است که با فروش خالصجات هم بنده اظهار مخالفت میکردم همین نظر بود حالا هم عقیده ام این است که اگر دولت طریقی این باشد که خالصجات را به وزارت اقتصاد ملی واگذار کند (یعنی بآن شعبه اداره فلاحتی که در وزارت اقتصاد تشکیل خواهد شد) که این خالصجات در دست باشد خرج و دخلش همه چیزش با آن اداره باشد و کاری که میخواهند در بهبودی و اصلاح امور فلاحتی کنند در خالصجات بکنند بنظر بنده بهتر است و فقط از نظر يك انتفاع ساده این را ابقاء بکنیم دریدوزارت مالیه اینها عقایدی بود که بنده عرض کردم. یکی مسئله دیگر که در اینجا در ماده سه باید قید بکنیم یکی از وظایف وزارت اقتصاد تهیه احصائیه فلاحتی مقدم بر سایر قسمتهاست یکی از آنها واگذاری خاصه است بوزارت اقتصاد

زوار - باقی ماده را بخوانید تا آخر
 یاسائی - بله بنده خوانده ام (سید یعقوب - سه سطر آخر) میگوید: وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی (اصل کلی این است) فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولد ثروت عمومی و بکار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل معادن و جنگلها این بنظر بنده شامل قسمت تجارت نمیشود. چرا؟ برای اینکه تجارت عبارت است از توزیع و تقسیم ثروت نه تولید ثروت معنایش این نیست اینطور که میفرمائید معنای عبارت کلی نیست.

وزیر عدلیه - بنده می بینم که آقایان يك تذکراتی دادند بنده در هیچکدام اینها مخالف نیستم و پیشنهاد هم هست خواهند داد به کمیسیون در آنجا که خودشان هم هستند حل خواهد شد و در قسمت اخیر فرمایشاتشان هم اگر آخر ماده را بخوانند نوشته شده است فراهم آوردن موجبات ترقی و توسعه تجارت مملکت از نقطه نظر توسعه صادرات مملکت و تشویق بعمل آوردن امتعه که ممکن است در مملکت الی آخر

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 رئیس - کافی است
 نمایندگان - بلی
 رئیس - چند فقره پیشنهاد راجع به ماده سوم رسیده قرائت میشود
 پیشنهاد آقای طلوع
 پیشنهاد میکنم در ماده سه بعد از و جنگلها اضافه شود و شیلات

پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم در سطر سوم بعد از کلمه و جنگاها اضافه شود تهیه و تأسیس کار خانجیات و ترویج فلاحت الی آخر

پیشنهاد آقای عدل

بنده پیشنهاد میکنم پس از عبارت منابع ثروت مملکتی از قبیل معادن نوشته شود و شیلات الی آخر

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - تشکیلات اداری دو وزارتخانه فوق برطبق نظامنامه خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای کیا

کیا - موافقم

زوار - مخالفتی ندارد.

آقا سید یعقوب - عرض داشتم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - اینجا خواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم چون در ماده پنج نوشته بعد از تصویب این قانون پنج روز بعد از تصویب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد...

یک نفر از نمایندگان - ماده چهارم است آقا.

آقا سید یعقوب - صبر کنید آقا صبر کنید بنده می فهمم حرفم را گوش کنید. نوشته است در ماده پنج روز بعد در ماده چهارم نوشته است که نظامنامه این را هیئت وزراء تنظیم خواهد کرد خواستم بگویم که اینجا وقتی که شما خواستید بموقع اجرا بگذارید وقتی که تشکیلات اداری ندارید چطور میتوانید بموقع اجرا بگذارید. بموقع اجرا گذاشتن این قانون این است که تشکیلات اداری این قانون را داشته باشند

تشکیلات اداری هم که بعد از نظامنامه است این ماده که پنج روز است خواستم بدانم جمعش را در وقت عمل چه خواهند کرد آقا بان دیدید عرضی ننمایم گوش بدهید.

وزیر عدلیه - خیلی بسهولت يك نظامنامه اداری چند ماده مختصری تهیه میکنند که این وزارتخانه اداری این ادارات است این را هیئت وزراء تصویب خواهند کرد و بعد هم عمل خواهند کرد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا نوشته است: تشکیلات اداری دو وزارتخانه فوق بر طبق نظامنامه خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء رسید بنده اینجا پیشنهاد میکنم بتصویب هیئت وزراء و مجلس شورای ملی (همه هم نمایندگان) دیبا - عملی نیست آقا

رئیس - (خطاب به آقای یاسائی) پیشنهاد شما را بماده سه است یا چهار؟

یاسائی - مال بنده راجع بماده سه است.

رئیس - ماده سه تمام شد آقا.

یاسائی - پس باید ارجاع شود بکمیسیون.

رئیس - ماده پنج قرائت میشود.

ماده ۵ - این قانون پنجروز بعد از تصویب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و مخارج اداری وزارتخانه مذکور تا موقع تصویب بودجه هر يك از آنها از اعتبارات مصوبه وزارت فوائد عامه تأمین خواهد شد
رئیس - آقای دیبا
طباطبائی دیبا - در این ماده نوشته میشود این پنجروز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود ظاهراً این دو ماده باهم متناقض است
وزیر عدلیه - در اینجا يك اشکالی است

است باید در کمیسیون اصلاح کرد.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - مذاکرات کافی است

نمایندگان - بله

رئیس - رأی میگیریم به ورود در شور دوم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - شور اول لایحه تثبیت مسكوك رایج

مملکت و تبدیل واحد آن بطلا]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به واحد پول طلا مطرح است قرائت میشود: کمیسیون قوانین مالیه با حضور نمایندگان اقتصادی دولت در جلسات دوگانه خود لایحه نمره ۵۵۱۷۵ دولت را در خصوص تغییر واحد پول مطرح و مورد شور و مذاکره کامل قرار داده و با اصلاحات لازمه خبر آنرا بشرح ذیل به تقدیم مجلس مینماید

ماده اول - مقیاس طلا

واحد پول قانونی ایران ریال طلال است که بعد بنابر تقسیم میشود

ماده دوم - مسكوك مضروب و جزء واحد مقیاس مسكوكات قانونی در جریان عبارتند از

الف) مسكوك طلا: سكه طلای بیست ریالی بنام پهلوی

سكه طلای ده ریالی بنام « نیم پهلوی »

ب) مسكوك نقره: سكه نقره نیم ریالی

« « يك ریالی

« « دو ریالی

« « پنج ریالی

ج) مسكوكات نیکل: سكه نیکل پنج دیناری

« « ده دیناری

« « بیست و پنج دیناری

د) مسكوكات مس: سكه مس يك دیناری
سكه مس دو دیناری
ماده سوم - وزن خالص و وزن مسكوك
دشتمی - آقا ماده به ماده قرائت شود. وقت تلف میشود آقا

رئیس - آخر مذاکره در کلیات است مگر اینکه قناعت کنید به آنچه که نوشته است.

بیات - پریروز هم قرائت شد. ماده به ماده قرائت شود.

رئیس - بسیار خوب مذاکره در کلیات است. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده تقدماً عرضی ندارم بعضی عرایض داشتم که با آقایان مذاکره کردم حل شد.

رئیس - آقای محمود رضا (نبودند) آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه در دوره ششم و هفتم بودند آیا مستحضرنند وقتی قانون بانک ملی از مجلس گذشت نماینده محترم ارامنه اوانس خان مساعد

پیشنهاد کرد که بلا یجه ماده الحاقیه اضافه شود که دولت مکلف باشد تا یک سال وسائل تبدیل کردن پول نقره را

بطلا تهیه نماید و قانونش بمجلس بیاید این ماده ماده چهاردهم قانون بانک ملی است که دو سال قبل از این

دولت مکلف بود لایحه اش را بیاورد نهایت موفق نشده است و نتوانسته است این قدم را عملی کند و حالا بنده

خیلی خوشوقت و خوش اقبالم که موفق شدم و در يك دوره هستم که آقای وزیر مالیه و آقای وزیر عدلیه لایحه

تبدیل پول را بطلا آورده اند در اینجا و این یکی از کار های اساسی خیلی بزرگ از برای مملکت است برای

اینکه حقیقه ما وارد شده ایم در چرگه ملل دنیا همین جوری که ملل دنیا يك قدم اساسی برای اقتصاد و ثروت

و زندگانی خودشان برداشته اند ما هم بمحمد لله در عصر پادشاه عادل خودمان قدم هائی بر میداریم و موفق می

شویم بنده خربی خوشحال از این مسئله هستم ولی این که بنده در این جا عنوان مخالفت پیدا کردم نه اینکه بنده با قانون مخالف باشم خیر این قانونی است که از مجلس گذشته است و پیشنهادی است که از خود مجلس شده است و دولت هم موافقت کرده است و دولت مکلف بوده است که این قانون را بیاورد نه اینکه دولت خودش آورده باشد که من مخالفت بکنم ولی اینکه بنده آمده ام این جا بعنوان مخالفت برای استحضار و استفسار است که وزیر عدلیه يك توضیحاتی در کلیات این قانون بدهند. مسئله این است آقای وزیر عدلیه ما يك قانونی در اینجا گذرانیدیم برای تهیه اوزان و مقادیر در دوره پنجم (در کابینه اعلیحضرت بود که قانون آن گذشت) بعبارت نرنگی مآبی سرته متیک (خنده نمایندگان - دشتی - سیستم متریک) در آن قانون هم فریاد میزدند گرام و فلان آن قانون همین جور ماند آن قانون که از آحاد به عشرات و از عشرات بمآت میرسید آن قانون را دولت در مقام عمل نیاورد و عمل نکرد چرا عمل نکرد؟ نه اینکه بنده بگویم که دولت مسامحه کرده است در عمل کردن خیر برای خاطر اینکه هنوز موفق نشده است يك چیز هائی را که در مملکت هست جریانش را تغییر بدهد حالا در واحد پول بطلا این کار خیلی خوب است و بنده هم موافقم از تومان برویم به پهلوی و تغییر بدهیم و تغییر کنیم از لیره مان به پهلوی و دو پهلوی و پنج پهلوی ولی اینکه از ترتیب نقود و واحدی که ما داریم که قران است در مجلس هم مکرر اگر نظر تان باشد يك روزی کاملاً آقای تقی زاده مخالفت کرد که ما واحد پولمان را تومان قرار بدهیم ما می گفتیم که واحدمان قران است و تومان نیست و دکتر میلمسپو هم پیشنهادی کرد بهمین ترتیب که نقود باین ترتیب واحدش قران باشد و از قران می رود بعشرات و مآت که خیلی سهل القبول است حالا که شما می خواهید تبدیل کنید نقره را بطلا دیگر این عمل مستلزم این طول و تفصیل نیست که

بزحمت بیفتید حالا میفرمائید چه زحمتی بنده عرض می کنم ناچارید که این قانون یعنی قانون رواج را بیاورید که در مملکت جریان پیدا کند ملاحظه فرمائید که محاسبات و مطالعات مردم چه خواهد شد حالا کار ندارم که در چه مضیقه خواهد شد هم در سرحدات و هم در غیر سرحدات و خیلی مشکل میشود و يك سال هم برای تبدیل دادن قران به پهلوی و ریال اشکال دارد و در محاسبات و مطالعات هم مردم و دولت در مضیقه می افتند بنده عرض می کنم واحد نقره را بطلا تبدیل دادن مستلزم این طول و تفصیل نیست ممکن است همین جور شما قرار بدهید بنده کاملاً موافق هستم با تغییر پول بطلا آقای وزیر عدلیه حکایت ما حکایت آن کسی است که گفت خورش فیه سبزی دو مسئله بیشتر لازم ندارد گوشت میخواهد و سبزی اینجا فقط گذاشتن این لیره هائی که ما ذخیره داریم در خزانه و در مخزن بانک آنها را بیاوریم و بگذاریم اینجا در بانک ملی و بیانك ملی اعتبار بدهیم که معاف سه میلیون طلائی که ما داریم اینکار را بکنند این دیگر اینهمه طول و تفصیل را لازم ندارد ده ماده و این ترتیب لازم نیست دیگر که يك انقلابی در نقود ما بشود وزیر رو بشود بنده که نمی فهمم حالا هم برای این خاطر عرض می کنم یاد داشت هم کرده ام با هر کس هم صحبت کرده ام و میخواهم عرض کنم این تبدیل کردن پول نقره بطلا که واحد را هم پهلوی قرار بدهید دیگر این ترتیب نیست دیگر و پنج دینار و و هزار دینار و اینها را لازم ندارد اساساً عملی نخواهد شد چون مشکل است و خود تان دچار زحمت خواهید شد گذشته از اینها مسئله جریان در مملکت است جریان در وزارتخانه است در مطابقت است يك ملتی که خودتان تصدیق دارید مدرسه نرفته اند تحصیلات نکرده اند فرانسه که پانصد سال شعبه سال از ما جلوتر بوده است آن رئیس الوزراء ذوالقدر پیدا شد و بجه زحمت کار کرد تازه دو سال سه سال طول کشید تا آورد پولهای طلا را از ولایات دیگر

در بانک ملی پاریس جای داد آنها هم نه باین طول و تفصیل نه اینکه این جور بکنند همینطور جا های دیگر دنیا. آخر فرمائید که این چیزها را در مقام عمل چه خواهید کرد؟ آیا در مضیقه نمی افتید آیا این پولها چه خواهد شد آیا در چیزهای دیگر نمی افتید؟ (نمایندگان - نه نه) پس بهتر این است و راه عملی این است که ما این پولها را تقبل بدهیم به بانک و بانک هم بیاید تغییر لفظ بدهد. تومان از بین رود ولی باین ترتیب بنده میگویم در مقام عمل دچار مشکلات میشوید و خوب است آقای وزیر توضیحاتی بدهند تا بنده هم ملتفت بشوم.

وزیر عدلیه - عرض کنم یا این است که بنده چند جلسه است بمجلس نیامده ام طرز حرف زدن را فراموش کرده ام یا مجلس (نمایندگان - آقا سید یعقوب) آقایان فرق نمی کند. مجلس طرز صحبت کردنش تغییر یافته است و تماماً روی کلیات صحبت میشود مثلاً آقایی که در آن لایحه اقتصادیات تذکراتی میدادند همه آنها در جای خودش صحیح بود ولی يك کلیاتی بود و همه هم موافق بودند حالا هم در اینجا آقای آقا سید یعقوب آمده اند و يك کلیاتی را اظهار میکنند که خورش فیه سبزی دو مسئله لازم دارد و اشکالی ندارد ساختن آن يك قدری سبزی و يك قدری گوشت. اگر يك آدم عقلی بدین عقیده طبّی باقی رجوع کرد بنده فرمایشاتشان را در این قسمت قبول دارم اما آقا اینطور نیست که شما فرمودید با يك قدری گوشت و سبزی قرمه سبزی درست میشود خیلی زحمت دارد. تبدیل کردن واحد پول مملکت بطلا باین سهولت ها هم نیست که میفرمائید اینطوریکه فرمودید ما نخواسیم فقط يك اسم تازه باشد غیر این تغییر واحد پول فقط برای تغییر اسم نیست مسئله داشته است امروزه واحد پول ایران چه چیز است در حساب ادارات می نویسند قران ولی واقعاً در عمل همان است هر کسی می رود حساب کند حساب تومان را میکند

(در ماه چند تومان حقوق میگیریم) پس واحد قران را اگر ما استعمال می کردیم و پایه قرار میدادیم و می گفتیم تومان نبود ممکن نبود زیرا وقتی ما قران را نگاه میداشتیم تومان هم قهراً باقی می ماند و ظاهراً در قانون اسمش از بین میرفت آنوقت يك واحد بیج در بیج مشکل کوچک کم قیمت بود که در معاملات و حساب بکلی اسباب زحمت بود و اگر می آمدیم تومان را واحد می گرفتیم یعنی وارونه می کردیم مطلب را بطوری که الان هم هست آنها زیاد است پس بیخود نیست که ما میخواهیم هر دو را برداریم این را هم فراموش نفرمائید که واحد پول در زندگانی مملکت تأثیر دارد وقتی که شما میروید درب يك دکان و بشما بگویند قیمت این ۲۰ قران است یا دو تومان این دو تومان بنظر شما کمتر می آید تا وقتی که بگویند بیست قران پس باین ملاحظه ما آمده ایم خیال کردیم دیدیم اگر قران را ماخذ بگیریم خیلی خیلی کوچک است اگر تومان را بگیریم يك قدری زیاد است پس آمدیم حد وسط را گرفتیم و واحد را ریال گرفتیم پس وقتی ما این فکر را قبول کردیم که بین این دو واحدی که امروزه معمول است يك واحد دیگری اتخاذ کنیم قطعاً ضرورت داشت که اسم را هم عوض کنیم چون اگر نمی کردیم قطعاً اشتباهات زیاد تر میشد این در این قسمت که قدری اعتراضشان روشن تر بود اما در آن قسمت دیگر که فرمودید در فاصله يك سال شما می آورید و تبدیل میکنید تمام پولها را گمان میکنم مخصوصاً جناب عالی که عادت دارید در اوضاع زیاد دقت و مطالعه فرمائید اگر ماده بازدهیم را مطالعه میفرمودید این اعتراض را نمی کردید راجع بمسکوکات فعلی که فرمودید چه میشود ما میگوئیم تا یکسال دیگر باید دولت يك قانونی بیاورد که در آن قانون معین شود پول فعلی کی از رواج خواهد افتاد و البته دولت برای این کاریک ترتیبی خواهد داد و تا يك مدتی آن پول با پول فعلی رابح خواهند بود تا مردم بتوانند و فرصت داشته باشند

که بتدریج پولشان را تبدیل بکنند بنا بر این اینطور نیست که در روز معین و درست یکسال بعد از این يك قانونی را بیاورد دولت و بگوید از فردا صبح پولهای فعلی از رواج خواهد افتاد و پولی هم که فعلاً رواج خواهد داشت این پول است این عملی نیست آقا. ما این یکسالی که تقاضا میکنیم برای فراهم کردن مقدمات است برای این است که مردم يك فرجه داشته باشند و اسباب زحمتشان نشود اما اینکه فرمودید در فلان دوره يك ماده الحاقیه گذشت که قرار بود در ظرف یکسال دولت بیاید و واحد پول را تبدیل کند بنسبه اینجا میخواهم يك مطلبی را عرض کنم که البته خودتان هم سابقه دارید باخلاق بنده این از نظر اعتراض نیست بلکه از لحاظ تذکر است و قتیکه از مجلس بگذرد بدون اینکه از دولت سؤال کرده باشند که آیا وسائل عملی کردن این کار را دارد یا نه قانونی از مجلس بگذرد اغلب هم اینطور میشود و قانون هم میگردد اما چون دولت وسائل عملی کردن آنرا ندارد عملی نمیشود و همین جور میماند و عملی نمیشود ولی وقتی که دولت مطالعه کرد و تهیه کرد وسائل را و خود را آماده کرد برای عملی کردن آن قانون البته زود تر و بهتر کار پیش میرود البته يك قانونی را که ما میاوریم اینجا باید مطمئن باشیم از اجرای آن و از عملی شدن آن والا يك دولتی بیخود نمی آید و يك چیزی را بر دارد و بقول آقا همین جوری بیاورد اینجا و فقط روی کاغذ باشد اینرا بنده عرض میکنم که آقا تا لایحه درش فکر نشده باشد بمجلس نمی آید و در این لایحه هم بنده بشما قول میدهم بهمان ترتیبی که نوشته شده است قبل از یکسال این قانون بیاید بمجلس و در ضمن هم همین چیز هائی که اینجا نوشته ایم با آن عرض و طول که فرمودید لازم است و باید میزان و مقدار آن معین باشد و حتی وسائل اینها هم تهیه کردنش وقت لازم دارد و اینها هم ترتیبات محاسبه و وسایل فراهم کردنش این

قدرها مدت زیادی را نخواهد گرفت و از طرفی هم غافل گیر نخواهد بود و خیال همه هم راحت باشد که بعد از این این مملکت دارای يك پول ثابتی خواهد بود و هر وقت پول لیره بالا و پائین برود پول ما هر روز ترقی و تنزل نکند یعنی طوری نباشد که هر کسی يك تومان توی جیبش داشته باشد فردا به بیند هیچ نخواهد داشت (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم برود در شور مواد موافقت قیام فرماید

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - مقیاس طلا

واحد پول قانونی ایران ربال طلاست که بصدرت تقسیم میشود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای طلوع

طلوع - بنده در کلیات اجازه مخالفت خوار بودم متأسفانه به بنده نرسید ولی در ماده اول بمخار اظهار مخالفت بکنم و اگر آقایان اجازه فرمایند کلیات عرایض را عرض میکنم و الا در هر ماده حرف بزنم (جمعی از نمایندگان - بفرمائید)

وزیر عدلیه - بفرمائید

طلوع - بنده اساساً باین لایحه موافقم ولی منتهی در این لایحه يك نظریاتی دارم که باید بمنوان مخالفت بکنم بعضی چیز هارا هم اساساً میخواهم خودم گذشته از اینکه ممکن است این لایحه خوب نشده باشد و بعد از تصویب در ولایات و ایالات گه رگت سرحدی ما باید عملی و اجرا شود اگر

توضیحات کاملتری در این قانون داده نشود ممکن است اسباب زحمت مامورین دولت و مردم بشود باین مناسبت بنده میخواهم يك عرایضی بکنم این است که از آقایان اجازه خواسته ام که در اینجا يك عرایضی بکنم. اینجا در ماده اول نوشته است واحد پول قانونی ایران ربال طلاست بعد در ماده دوم مینویسد مسکوکات قانونی در جریان عبارتند از مسکوک طلا سکه طلای بیست ربالی بنام بهلوی و سکه طلای ده ربالی بنام نیم بهلوی الی آخر البته پس از تصویب این قانون رایج مملکت همین پولهای است که در این لایحه قید شده است و بر خلاف این پول اگر در مملکت رایج باشد حقیقه متخلفین از این قانون محسوب میشوند شاید هم مورد مجازات قانونی واقع شوند. همینطور است دیگر. پول رایج هم معلوم است که چه چیز است. سکه رایج ایران بهلوی طلاست و نیم بهلوی و پول نقره رایج ایران پنج ربالی و دور ربالی و يك ربالی و نیم ربالی است ولی وضعیت ما با اسکناس و بانك شاهنشاهی ابدأ معلوم نیست و فردا که این لایحه تصویب شد با بانك شاهنشاهی چه معامله خواهد شد؛ بانك شاهنشاهی چه معامله باید بکنیم؟ این يك تومانی که بنده دارم و اسکناس میدهم که پول بگیرم راجع باین اسکناس با من چه معامله خواهد کرد؟ (کیا - قانون بعد) خیر این بعد از ده روز بموقع اجرا گذارده میشود (بعضی از نمایندگان - ماده یازده را بخوانید) بالاخره این چیزی است که بنده می فهمم و میخواهم با هم صحبت کنیم در این موضوع بنده اینطور فهمیدم و باید اینجا معلوم شود که بعد از این فردا ما تکلیف خودمان را با بانك شاهنشاهی و اسکناس بدانیم چیست یکی هم در موضوع ماده نهم این قانون است ...

رئیس - ماده نهم مطرح نیست

طلوع - مجلس اجازه داده است.

رئیس - در موقعش حرف بزنید.
طلوع - بنده نمیخواهم وقت مجلس را تلف کنم
بیات - ماده بماده حرف بزنید
طلوع - بسیار خوب پس اجازه بنده محفوظ باشد
هر ماده که میرسیم بنده مطالبی که دارم بگویم
وزیر عدلیه - نماینده محترم مطالبی بیان کردند که بنده قدری با شتابه اقتادم یعنی نمیدانم که درست دقت کرده اند در این قانون یا خیر چون فرمودند که تکلیف ما با اسکناس چه خواهد بود. فردا و پس فردا هم مثل امروز است تا آن وقتی که دولت پول جدیدی رایبورد و رایج کند بعد هم بموجب این قانونی که این جا ذکر شده است در ماده یازدهم مدتی معین شده است و در آن قانون معین خواهد شد که اسکناس چه جور خواهد شد و چطور معامله خواهد شد تصدیق میفرمائید که اسکناس نماینده این پولهای دو هزاری است که رایج است تکلیف این پول ها که معلوم شد تکلیف اسکناس هم معلوم میشود.

امیر حسین خان - در ماده ۱۰ که همین مطلب بود تأمین میکرد

طلوع - ماده یازده تأمین نمیکرد فرمایش وزیر عدلیه تأمین کرد

رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

(ماده دوم - مسکوک مضر و جزء واحد مقیاس)

الف (مسکوک طلا: سکه طلای ۲۰ ربالی بنام بهلوی

سکه طلای ۱۰ ربالی بنام نیم بهلوی

ب (مسکوک نقره: سکه نقره نیم ربالی

یک ربالی

دو ربالی

پنج ربالی

ج) مسکوکات نیکل
سکه نیکل پنج دیناری
« « « ۱۰ دیناری
« « « ۲۵ دیناری

د) مسکوکات مس : سکه مس یک دیناری
« « « ۲ دیناری

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اینجا عرض داشتم نوشته است مسکوک طلا بیست ریالی بنام پهلوی سکه طلای ده ریالی بنام نیم پهلوی بنده عقیده ام اینست که اگر این مسئله را عکس کنند بهتر است باین معنی که ده ریالی بنام پهلوی بیست ریالی بنام دوپهلوی چون در نقود ما اول همه ده است و لازم هم نیست سکه ما بادولتی موافق باشد فرضاً هم نخواهیم موافق باشد ده ریالی ما با خیلی از نقود آمریکا با دلار و بعضی چیزها موافقت دارد بنده باین ملاحظه معتقدم چون با وضع سابقمان هم موافقت دارد و اول نقود هم ده است و با ترتیب نقود سابقمان هم موافقت دارد اینست که معتقدم ده ریال را یک پهلوی قرار بدهند و بیست ریال را دو پهلوی گمانم اینست که اینطور بهتر باشد

وزیر عدلیه - بنده رو به مرتقه بدون این که اظهار نظری کرده باشم عرض میکنم نظر آقای آقا بد نظری نیست و چندان فرقی هم ندارد پیشنهاد بدهند در کمیسیون میبینیم زیرا در اساس قضیه تفاوتی ندارد و چندان فرقی ندارد
رئیس - آقای فیروز آبادی پس پیشنهادتان را زودتر مرقوم بفرمائید

بیات - بعد میدهند برود بکمیسیون معطل میشود حالا .

فیروز آبادی پیشنهاد خود را تهیه و تقدیم مقام ریاست نمودند
رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی :
بنده پیشنهاد میکنم مسکوک طلا سکه ده ریالی نیم یک پهلوی و بیست ریالی بنام دو پهلوی
رئیس - ماده سوم قرائت میشود :

ماده سوم - وزن خالص و وزن مسکوک :
(الف) - یک ریال معادل با - ۳۶۶۱۱۹۱/۱۰۰۰ گرم

طلای خالص
(ب) - مسکوک طلای بیست ریالی یا پهلوی داری - ۷۳۳۲۳۸۲/۱۰۰۰ گرم طلای خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم طلای خالص را بصرف ضرب

(۱۳۶۰۵۶۷۵) عدد مسکوک یک پهلوی برساند
(ج) - مسکوک طلای ده ریالی یا نیم پهلوی داری - ۳۶۶۱۱۹۱/۱۰۰۰ گرم طلای خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم طلای خالص را بصرف ضرب

(۲۷۳۰۳۱۵) عدد مسکوک نیم پهلوی برساند
(د) - مسکوک قره نیم ریالی که در داخله فلک جریان قانونی دارد و نماینده نیم ریال طلا میباشد دارای - ۲۲۵۰۰/۱۰۰۰ گرم تفره خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم تفره خالص را بصرف ضرب

(۴۴۴۴۴۴) عدد مسکوک نیم ریالی برساند
(ه) مسکوک تفره یک ریالی که در داخله فلک جریان قانونی دارد و نماینده یک ریال طلا میباشد دارای - ۵۰۰۰/۱۰۰۰ گرم تفره خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم تفره خالص را بصرف ضرب

(۲۲۲۲۲۲) عدد مسکوک یک ریالی برساند
(و) مسکوک تفره دوریالی که در داخله فلک جریان قانونی دارد و نماینده دوریالی طلا میباشد دارای - ۹/۱۰۰۰ گرم تفره خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم تفره خالص را بصرف ضرب

(ز) مسکوک تفره پنج ریالی که در داخله فلک جریان قانونی دارد و نماینده پنج ریالی طلا میباشد دارای - ۱۳/۱۰۰۰ سیر طلا باشد (حالا چه

جریان قانونی دارد و نماینده پنج ریال طلا میباشد دارای ۲۲۵۰۰۰۰ - گرم تفره خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم تفره خالص را بصرف ضرب - ۴۴۴۴۴۴ عدد مسکوک پنج ریالی برساند
نصرت - میزان عیار مسکوکات طلا (مذتوره در بندهای «ب» و «ج» فوق) عبارت از ۹۰۰ در ۱۰۰۰ تفره خالص و یکصد در هزار مس است -
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - موافقم
رئیس - آقای روحی
روحی - موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه این جا یک استنباطی است که بنده میکنم در این جا نوشته است فلان یک کیلوگرم باید ...
وزیر عدلیه - در کجا ؟

آقا سید یعقوب - در همین جزء اول باید بصرف ضرب ۱۳۶ عدد مسکوک یک پهلوی برسد بعد هم مینویسد چهارم ششصد و هفتاد و پنج بنده این را نمی فهم که فلان یک کیلوگرم تفره یعنی چه ؟ یعنی آیا این پنج هزار و بیست و یک کیلوگرم تفره خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم تفره خالص را بصرف ضرب

(۲۲۲۲۲۲) عدد مسکوک یک ریالی برساند
(و) مسکوک تفره دوریالی که در داخله فلک جریان قانونی دارد و نماینده دوریالی طلا میباشد دارای - ۹/۱۰۰۰ گرم تفره خالص است و ضرایب دولتی باید یک کیلوگرم تفره خالص را بصرف ضرب

(ز) مسکوک تفره پنج ریالی که در داخله فلک جریان قانونی دارد و نماینده پنج ریالی طلا میباشد دارای - ۱۳/۱۰۰۰ سیر طلا باشد (حالا چه

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

وزیر عدلیه - تو چه میدانی من چه می گویم (خنده حضار)
وزیر عدلیه - توضیحی که آقا در قسمت اول خواستند آن عدد اعشاری که بعد از ۱۳۶ می بینید قرار گرفته است تقریباً نصف یک واحد است و یک قدری بیشتر پنج ده هزارم . اگر پنج تنها بود می دیدید که نصف یک واحد بود ولی اینجا یک کسری دارد که یک قدری بیشتر است این از نقطه نظر حساب است که البته یک کسی یک کیلوگرم طلا برد صد و سی و شش عدد پهلوی از برایش تهیه میکنند و این اندازه یعنی نصف و کسری ۰۶۷۵

هم برایش باقی میماند این درست؟ (آقاسید یعقوب - بنی)
 ولی این را البته نمی آورند و يك پهلوی كوچك تر
 برایش درست كنند یا روی بقیه تقسیم كنند این از نظر
 حساب است كه يك كيلوگرام طلا باید بمصرف ۱۳۶ عدد
 پهلوی طلا برسد و يك مقداری هم باقی میماند. اما راجع
 بمسئله دوم از يك طرف آمديم و گفتهيم يك كيلوگرام
 طلا باید ۱۳۶ پهلوی بشود از آن طرف هم در هیچ
 كجای دنیا ممكن نیست يك اسبابی اینقدر دقیق و حساس
 باشد كه تمام این مسكوكات (مثلاً تمام ۱۳۶ پهلوی كه
 از يك كيلوگرام طلا ساخته میشود) مساوی و يك وزن
 باشند ممكن است يك كدام يك قدری سبك تر باشد و يك
 كدام يك قدری سنگین تر این مال فرد فرد اما جمعاً
 من حیث المجموع يك كيلوگرام طلا باید بمصرف تهیه
 ۱۳۶ پهلوی طلا برسد ۰ ر ۰۶۷۵ هم زیاد می آید. حالا
 باز هم میخواید توضیح بدهم

آقاسید یعقوب - خیر. خیر ملتفت شدم. حالامیدانستی
 این را آقای اعلم العلامه؟ اوه این توضیح وزیر عدلیه را
 میدانستی كه میگفتی واضح است؟ (خنده نمایندگان - خیر)
 عده از نمایندگان - كافی است مذاکرات.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده ۴ - طبقه و ضرب و ترخص
 برای تأمین مقررات قانونی مربوطه به وزن خالص و
 اوزان مسكوك و تعیین ابعاد مسكوك نظامنامه طبقه
 ضرب مسكوكات راهیئت دولت تعیین و تصویب خواهد كرد
 مسكوكات طلا فرداً ممكن است از حیث وزن مسكوكی
 تا میزان حد اكثر $\frac{1}{4}$ در هزار و از حیث عیار تا
 میزان حد اكثر ۲ در هزار نسبت بحد قانونی معینه در
 ماده ۳ اختلاف كسری یا اضافی (حد ترخص قانونی)
 داشته باشد و همچنین مسكوك نقره فرداً ممكن است از
 حیث وزن مسكوكی تا میزان حد اكثر معینه در ماده
 ۳ اختلاف كسری یا اضافی (حد ترخص قانونی) داشته
 باشد ولی من حیث المجموع باید با مقررات ماده ۳ كاملاً

تطبيق نماید.

آقاسید یعقوب - اجازه میفرمائید؟

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - این جا بنده رفع اشتباهم شد
 این توضیحی كه آقای وزیر عدلیه دادند خیلی خیلی خوب
 بود ولی خواستم ببینم در این ماده چهارم این كه ترخص
 (حد ترخص قانونی) یعنی چه و توضیح بدهند
 وزیر عدلیه - راجع بحد ترخص این يك كه اینست
 كه سابقه دارد و هم در الفاظ و اصطلاحات خودمان هست
 و هم در يك مراحل دیگری كه آقا اطلاع دارید هست
 ضروری ندارد باشد. (مذاکرات كافی است)

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود.

ماده ۵ - شكل و سكه مسكوكات

الف - كلیه مسكوكات مذكوره در ماده ۲ مدون
 خواهد بود.

ب) مسكوكات طلا زنجیره دار و در يك طرف نماد
 اعلیحضرت همایونی شاهنشاه ایران و در طرف دیگر
 و خورشید و قیمت مسكوك و سنه ضرب را خواهند
 داشت.

ج) مسكوكات نقره زنجیره دار و در يك طرف
 و خورشید و در طرف دیگر عدد مشخص قیمت قانونی
 مسكوك و سنه ضرب را خواهند داشت

د) مسكوكات نیکل و مس در يك طرف شیرو خورشید
 و در طرف دیگر عدد مشخص قیمت قانونی مسكوك
 سند ضرب را خواهند داشت.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - خواستم عرض كنم كه نشان ایران
 شیر و خورشید و شمشر است. شمشر را چرا از این جا
 انداخته اید الان كه من نگاه میكردم در جیبم دیدم صد
 دیناری هست و شمشر هم دارد. چرا شماعداوت با این شمشر
 دارید خوبست این را هم اضافه كنید.
 وزیر عدلیه - پیشنهاد كنید آقا.
 رئیس - ماده ششم قرائت میشود.

ماده ششم - حق ضرب.

ضرب كلیه مسكوكات ایران منحصرأ در ضرابخانه دولتی
 بعمل خواهد آمد ضرب مسكوك طلا برای عموم افراد
 آزاد است و حق الضرب برای هر كيلوگرام طلای خالص
 نباید از ده ریال تجاوز كند ضرب مسكوك نقره و نیکل
 رهنس منحصر بدولت است و این حق بهیچ وجه من الوجوه
 قابل انتقال نخواهد بود.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده اشكالی در این ماده بنظر من
 نیست كه دولت خواسته است از نظر كثرت طلا در
 ملكت آزاد كند ضرب مسكوك طلا را كه طلا
 بوزنند و سكه بزنند و در مملكت جریان
 بود پیدا كند بنده عرض میكنم اگر يك وقت با
 من اینكه طلا تنزل كرد. (زیرا همچو چیزی نیست
 سكه همیشه طلا با قیمت اعلا در دنیا باقی بماند)
 این است يك وقتی همین طلا تنزل كند آنوقت
 طلا او طوری است كه آزاد گذاردن سكه طلا در
 ملكت كمان میكنم اسباب زحمت برای دولت خواهد
 خوبست این را قدری مقید كنند كه با اجازه
 بنظر بنده این بهتر است زیرا اشكال متصوره را
 بكن میبرد و يك بابی خواهد بود كه در موقع ضرب
 اجازه دولت باشد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اظهار نماینده محترم بر روی
 فرض طلا بود نظر بانك كه در تمام دنیا معیار هر پولی
 اعم از نیکل و مس از حیث نسبتی كه دارد و نماینده
 آن میزان طلا است معین است بنا بر این بنده نمیدانم
 این فرض در چه موقعی ممكن است، وارد باشد و تصور
 نمیكنم این فرض موقعیت داشته باشد و اشكالی وارد باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات كافی است

آقاسید یعقوب - عرض دارم. سؤال دارم.

رئیس - آقای فیروز آبادی فرمایشی دارید

فیروز آبادی - بلی

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - حق الضرب را در این جا در طلا
 در يك كيلوگرام آمده است قرار داده است
 ده ریال یعنی هر كيلوگرام طلای خالص نباید خرجش
 از ده ریال تجاوز كند بنده كمان میكنم این خرج و
 دخل نمیکند و این حق الضرب يك حق مشروعی است
 جهت دولت. و اگر این حق قدری هم زیادتیر قرار
 داده شود كمان نمیكنم بد باشد بنده پیشنهاد كردم
 نیم عشر حق الضرب را قرار دهند و اینكه فعلاً قرار
 داده اند اسباب خسارت برای ضرابخانه و دولت خواهد
 بود. باید يك كاری كرد كه خسارت هم جهت دولت
 نباشد از این جهت بنده نیم عشر پیشنهاد کرده ام كه
 حق الضرب طلا نیم عشر باشد.

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود...

آقاسید یعقوب - بنده عرض داشتم.

رئیس - باید اجازه خواسته باشید نایبند بدام

آقاسید یعقوب - خواستم آقا

رئیس - بسیار خوب. بفرمائید.

آقاسید یعقوب - خواستم در اینجا آقای وزیر عدلیه

توجه بفرمایند . عرض میکنم در اینجا نوشته که ضرب طلا منحصرأ در ضرابخانه خواهد شد . اما ضرب نیکل و نقره و مس حق دولت است و بغير انتقال داده نخواهد شد بنظر بنده چه فرق بين این دو تا خواهد بود ؟ فرقی چه چیز است ؟ هر دو باید در ضرابخانه ایران باشد و اگر این کار را بکنیم چه میشود (همین هم هست) نه این نیست بنده عرض میکنم باید هر دو را اینطور بنویسند و دولت هم قبول کند که ضرب طلا و نقره و نیکل تمام مختص بخود دولت است و غیر از خود دولت و در غیر از ضرابخانه بکسی اجازه داده نخواهد شد وزیر عدلیه - بنده فقط ماده را میخوانم ضرب مسکوک نقره و نیکل و مس منحصر بدولت است و این حق هیچوجه من الوجوه قابل انتقال نخواهد بود این اشکال آقا را رفع خواهد کرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود :

ماده هفتم - حد قبول مسکوک نیکل و مس برای هیچکس قبول مسکوکات نیکل و مس بیش از مبلغ دو ریال در تبدیل و معاملات اجباری نیست

رئیس - آقای فهمی

فهمی - محدود کردن مقدار پول نیکل و مس را در معاملات البته خوبست لکن برای اعتبار این دولت باید قبول کند و ترتیباتی را رعایت کند و الا ما مورین دولت در هر جا اسباب زحمتشان خواهد بود که پول نیکل و مس را بمقدار زیاد جمع کنند ولی در هر حال دولت باید آنها را جمع کند بانك ملي باید مکلف باشد که هر مقدار پول نیکل و مس را می برند آنجا او قبول کنند و الا اگر این جور باشد بانك هم قبول نمیکند و این اسباب زحمت میشود و آنوقت دچار اشکال میشویم . این است که بنده يك پیشنهادی کرده ام که هر مقداری را که میبرند بانك ملي او باید قبول کند

شده است زیرا افراد دیگر تقصیری ندارند . آن قسمتی را که افراد در نتیجه اعمال مواد شیمیائی خراب می کنند دست است و باید منع شود ولی اگر از ضرابخانه يك سکه بدی بیرون آمد نباید افراد را مسؤول این کار فرار داد . خواستم این مطلب را به آقای وزیر عدلیه تذکر بدهم که به بینم چه چیز است

وزیر عدلیه - بنده خواستم عرض کنم که در این جا مقصود با خود ماده تامین شده است . برای این که آنچه که خود این قانون اجازه نمیدهد یعنی چیزی که برخلاف این قانون در خود ضرابخانه تهیه شده اصلارواج آنرا اجازه نمیدهند پس این قسمتی که در این جا قید شده راجع است بانچه که خود افراد تهیه یا ضرب کرده اند یا اینکه اول مطابق ترتیب تهیه شده است ولی بعداً مداند سوراخ کرده اند یا دسته گذاشته اند یا اینکه سوراخ کرده اند در این صورت البته تصدیق میفرمائید که نباید اینها را قبول کرد . و رایج باشد

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض میکنم بموجب این ماده دولت در ضرر دارد مسکوکات جدیدی تهیه کند و گمان میکنم شهرومش شاعل مسکوک جدید میشود . و از این راه گمان میکنم خسارات خیلی زیادی ب مردم وارد خواهد شد زیرا در اغلب ولایات مسکوک سوراخ و دسته دار پول فراوان است و وقتی که از اینجا يك چنین مسی گرفته شود اسباب اشکال تراشی از برای مردم پیدا میکنند و با وجود گذشتن این قانون خیلی اسباب ضمت خواهد شد بنده تصور میکنم در کمیسیون دست تفریح شود که این ماده راجع بسکه جدید است قدیم (صحیح است)

وزیر عدلیه - این ماده مقصودی را که آقا میگویند معضمن است ولی بنده ناچارم اینجا توضیحی بدهم راجع به مسکوکات معیوب و عرض کنم وقتی که دولت میکوبد

فلان سکه رایج است سکه صحیح را میکوبد رایج است پس اگر يك کسی آمد و سوراخ کرد و يك قدری از آن سکه کاست این البته ضرر میزند خود بانك هم این مسئله را میداند . و وقتی هم که اشکال میکرد برای این بود که میگفت پول هائی را که من بر میدارم باید پول صحیح باشد و مردم که میخواهند اسکناس بدهند و پول بگیرند باید پول صحیح بگیرند و پول صحیح هم باید بدهند (دشتی - مثلاً دسته دار معیوب نیست) و برای اینکار دولت يك ترتیبی داد و ضرر هائی بعهده گرفت . الان هم وزارت مالیه آمده و اجازه داده است به بانك ملي که بانك ملي مطابق يك ترتیبی این نوع مسکوکات را بخرد و اعلان کرده است که تا شش ماه دیگر هر کس اینها را بیاورد دولت بر میدارد و بعد از این مدت دیگر دولت قبول نخواهد کرد . بیه علاوه ممکن است از این سکه ها از خارج خیلی بیاید به مملکت و از سرحدات وارد شود و بالاخره تاکی این مملکت باید ضرر این سکه های کهنه را بدهد ؛ ؛ لذا همه اعلان کرده ایم و بنده خصوصاً موقع را مقتنم میشمارم که در اینجا عرض کنم و مسئله بیشتر محرز شود . مردم تا این ششماه وقت دارند که پول های معیوبی که دارند بیاورند بدهند و عوض کنند . و این هم راجع به پول فعلی است (دشتی باید در اینجا قید شود) عرض کردم توجه بفرمائید در روز نامه خودتان هم هست . آنکه در این قانون است راجع بریال و راجع بان پولی است که بعد از این درست میشود منتهی چون در اینجا صحبت شد بنده خواستم تصمیمی که دولت گرفته تذکر بدهم و عرض کنم که دولت مهلت داده ب مردم که پولهای وارده و سکه های معیوب را بیاورند و عوض کنند بنده خواستم این مطلب را در اینجا تکرار کنم که مردم کاملاً بدانند و در این فرصتی که دارند بیاورند و عوض کنند و هم اینکه همه بدانند که تا آخر دنیا مملکت حاضر نیست ضرر بدهد و هی سکه از خارج بیاورند و ما قبول کنیم

دشتمی -- پس این راجع بسکه جدید است
نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ مسکوک سوراخ دار یا
شکسته یا دسته دار از ماده هشت حذف شود.

رئیس -- پیشنهادی از آقای حاج امین رسیده قرائت
می شود.

پیشنهاد آقای حاج امین

بنده پیشنهاد میکنم که ماده هشت این قسم نوشته شود
از تاریخ رواج ریال و طرز تبدیل قران به ریال
ضرب و بجزریان انداختن الی آخر.

رئیس - ماده نهم قرائت میشود:

ماده ۹ - ذخیره مسکوکات.

حفظ و نگاهداری ذخیره که لا اقل باید معادل با
مبلغ کل مسکوک نقره و نیکل و مس باشد اجباری است
و ذخیره مذکور مرکب خواهد بود از مسکوک طلا یا
شیش طلا یا اسعار خارجی مالکی که خرید و فروش و
معاملات طلا در آنجا آزاد باشد ذخیره قانونی مذکور در
بانک ملی ایران با مانع گذارده میشود و بانک مزبور قسمت
شش و تقود را در ایران و قسمت اسعار خارجی را بر
طبق تعلیمات هیئت دولت در بانکهای درجه اول خارجه
نگاهداری و حفظ خواهد نمود. ماهی دو مرتبه صورت
وضعیت ذخیره قانونی و مقدار مسکوک نقره و نیکل و
مس مضروبه در جریان با امضاء مفتش دولت در بانک
ملی ایران و رئیس بانک ملی ایران و خزانه دار کل و
یک نفر مفتش بانتهاب مجلس شورای ملی منتشر و در
جرائد باطلاع عموم خواهد رسید.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بموجب این ماده ذخیره و نگاهداری
مقداری طلا که معادل باشد با کل مسکوکات اجباری است

و چای و تاکس راه و حق انحصار دخانیات و تریاک و
عوارضی که در سفارت خانها و قنصل گریها در خارجه
اخذ میشود و وجوه تذکره و ویزا و غیره بر اساس
ریال طلا اخذ خواهد شد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید
اینجا بنده با یک اساس موافقم که دولت با نظر منصفانه
در این باب اقدام کرده و میخواهد کاری کند که اشیاء

لوکس و تجملی کمتر در مملکت وارد شود (که ما را
باین روز بدبختی انداخته است) ولی یک موضوعی بر
سبیل عبارت و بر سبیل کلیات نوشته شده است و آن

اینست که نوشته صادرات. ما بعضی چیزها صادرات داریم
که عوارض گمرکی ازش گرفته میشود. مثلاً قالی جوهری

صد دوازده ازش گرفته میشود و همین جور انحصار دخانیات
و همین جور حقوقی که از انحصار تریاک دولت در داخله
میگیرد و یا همان چیزی که خودتون گرفتارید در عدلیه

راجع بثبت اسناد راجع باین چیزها که حقوق دولت
است. نسبت باین چیزها چه میشود؟ بنده عقیده ام اینست
که کیه ورودی که بسر حدات وارد میشود از روی
لا گرفته شود ولی نسبت بمابقی چیزها که حقوق دولتی
است اعم از انحصار تماماً اینها مطابق آن ماده یازده که
مقرر کرده ام همه بجزریان بیافتد و یکی دیگر اینکه
تعملاً خوبست این مطلب توضیح داده شود که راجع
حق الثبت و نمبرهای عدلیه که عوایدی میدهند باینها
مورد معامله میشود خوبست توضیح داده شود تا
معلوم شود

وزیر عدلیه - این ربطی به حق الثبت ندارد. این راجع
عوارضی است که دولت در سرحدات میگیرد بعلاوه وقتی
شما پول قانونی خودتان را طلا قرار دادید و قبول

اول می نویسند ورود نقره و طلا اعم از مسکوک یا غیر
مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
اینجا ممنوع میکنند ولی اشیاء صنعتی را مستثنی کرده اند
بنده مخالف نیستم با ورود اشیاء صنعتی ولی از نادیده

فهمیدی - در قانون ۲۲ اسفند ۱۳۰۷ در ماده
اول می نویسند ورود نقره و طلا اعم از مسکوک یا غیر
مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
اینجا ممنوع میکنند ولی اشیاء صنعتی را مستثنی کرده اند
بنده مخالف نیستم با ورود اشیاء صنعتی ولی از نادیده

فهمیدی - در قانون ۲۲ اسفند ۱۳۰۷ در ماده
اول می نویسند ورود نقره و طلا اعم از مسکوک یا غیر
مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
اینجا ممنوع میکنند ولی اشیاء صنعتی را مستثنی کرده اند
بنده مخالف نیستم با ورود اشیاء صنعتی ولی از نادیده

فهمیدی - در قانون ۲۲ اسفند ۱۳۰۷ در ماده
اول می نویسند ورود نقره و طلا اعم از مسکوک یا غیر
مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
اینجا ممنوع میکنند ولی اشیاء صنعتی را مستثنی کرده اند
بنده مخالف نیستم با ورود اشیاء صنعتی ولی از نادیده

فهمیدی - در قانون ۲۲ اسفند ۱۳۰۷ در ماده
اول می نویسند ورود نقره و طلا اعم از مسکوک یا غیر
مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
اینجا ممنوع میکنند ولی اشیاء صنعتی را مستثنی کرده اند
بنده مخالف نیستم با ورود اشیاء صنعتی ولی از نادیده

فهمیدی - در قانون ۲۲ اسفند ۱۳۰۷ در ماده
اول می نویسند ورود نقره و طلا اعم از مسکوک یا غیر
مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
اینجا ممنوع میکنند ولی اشیاء صنعتی را مستثنی کرده اند
بنده مخالف نیستم با ورود اشیاء صنعتی ولی از نادیده

حقوق کمرکی بعد از این نباید معاف باشد زیرا در تحت عنوان اشیاء صنعتی ممکن است باز يك مقدارى نقره در مملکت زیاد شود. پس خواست اشیاء صنعتی را با تادیه حقوق کمرکی اجازه بدهند و رودش را این است که بنده پیشنهادی عرض کرده ام که اشیاء صنعتی را با تادیه حقوق کمرکی اجازه ورود بدهند و کلیه غیر از او هر چه باشد ممنوع باشد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای کیا

کیا - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - دو موضوع است آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید. یکی راجع به تبصره سابقا هم عرض کردم برای خاطر اینکه دولت بهتر بتواند موفق شود باید کلیه را منع کند همین نقره صنعتی را که اینجا فرض کردید ممکن است در تحت کلمه صنعتی (که نمیتوانید احصاء کنید و اگر هم بتوانید بزحمت میافزاید) اسباب زحمت فراهم شود باید تا يك مدتی ورود نقره را بهر اسم و رسم در مملکت ممنوع کنید تا بعد که موفق شدید و عملیاتتان تمام شد آنوقت ممکن است. این يك موضوع. موضوع دیگر: عبارت نوشته و همچنین ضرب مسکوکى که تا بحال در جریان است ممنوع است و همین طور ضرب مسکوک یعنی پولهای نقره که تا بحال بوده است ممنوع است یعنی بعد از این دولت نمیتواند ضرب کند و همین اندازه محدود شده. بنده کاملاً با این موافقم با اینکه همین قدر نقره که تا بحال ضرب شده کافی است و بس است و دیگر نباید وارد شود. موضوع دیگر راجع به حبس است. خودتان تصدیق میفرمائید که دیوان جزای عمال دولتی دیگر خسته شده عمال آنها خسته شده اند. با این حبس که در اینجا معین کرده اید از ۶ ماه تا یکسال و از یکسال تا سه سال مردم را نوبی نظمیه می اندازید مگر باستیلا فرانسه

است؟! حالا باید يك كاری بکنید که مجازات کمتر باشد اقسالا شش ماه تا يك سال قرار دهید حالا مختارید؟! وزیر عدلیه - اگر صحبت باستیلا را آقا نیکوید بنده این جا نمی آمدم و این حرفها را هم نمیزدند و بالاخره شما بنده را مکلف می کنید که در مقابل يك بیاناتی که در يك مجلس رسمی میکنید جواب عرض کنم آن يك چیزی بود که هر کس دلش میخواست. گفتم من با يك سفید مهر که میدادند بدست اشخاص مردم را می بردند آنجا ولی شما وقتی که صحبت می کنید از نظایر و از اشخاصی که در آنجا هستند و وقتی که صحبت از کلیات و اصول میشود همه میگویند مختلسین را بگریزید و تعقیب کنید ولی وقتی که مختلس را تعقیب می کنند آنوقت بنده باید این جا فحشش را بخورم! آقایان من خبر نمی کنند. این را نباید گفت دیوان عمال جزای دولتی هم خسته نشده اند و هر وقت هم که فرضاً خسته شوند بنده آنها را تغییر میدهم و يك اشخاصی را میبرم که خسته نشده باشد. این راجع بان مطلب. اذعان باصل قضیه هم اگر پیشنهادی دارید و بنظرتان زیادتره ممکن است بفرمائید بنظر ما این طور رسید حالا اگر آقا پیشنهادی دارید بدهید در کمیسیون درش صحبت می کنیم هر طور مقتضی شد قرار میدهند

آقا سید یعقوب - بنده غلط میکنم پیشنهاد بدهم هم يك نفرم مثل همه آقایان (کافی است)

رئیس - آقایان میفرمائید مذاکرات کافی است.

کازرونی - بنده اجازه خواسته ام

رئیس - کازرونی - بنده مخالفم

دشتی - خوب پیشنهادی دارید بدهید میرود بکمیسیون اینقدر حرف ندارد

کازرونی - علت اینکه بنده مخالفم با کفایت مذاکرات این است که میخواهم بعرضتان برسانم که وقتی پولها

برگشت و نقره هم که بجزریان افتاد با اسم پهلوی آنها در حکم طلا میشود و بنده گمان میکنم ورود و خروج نقره که یکی از فلزات عادی میشود وجه و فلسفه ندارد آقایان فلسفه اینکه ما نقره را منع کرده ایم خوبست در نظر بگیرند برای این بود که پول ما منحصرأ نقره بود و ما گفتیم خوبست منع شود تا بیش از این نقره در معرض مخاطره نباشد. ما گفتیم اگر چنانچه این نقره وارد شود احتمال دارد فوق العاده تنزل کند و ثروت مملکت از بین برود ولی حالا که بحول قوه الهی پول ما طلا میشود و این محظور مرتفع میشود اگر فرضاً نقره وارد مملکت شود بجهت مصنوعات است و برای محدود کردن آن بنده هیچ وجه و وجهی نمی بینم. و هم چنین در مورد نقره شما نماینده طلا بود هیچکس خارجش نمی کند بعنوان اینکه این نقره است. (دشتی در کلیات نقره را میگوید) ولی با این ترتیب منع ورودش خالی از وجه است. اگر این تا زمانی است که سکه پهلوی کاملاً رواج پیدا نکرده است بنده موافقم اما اگر برای همیشه است بنده گمان نمیکنم خوب باشد.

رئیس - رأی میگیریم. موافقین با کفایت مذاکرات بنام فرمائید.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود.

ماده ۱۳ - خرید طلا بحساب دولت

بنک ملی ایران در طهران موظف است که در هر موقع طلا را بر اساس حد اکثر ۳۵ ر ۲۷۲۱ ریال برای هر کیلو گرام طلای خالص بحساب دولت خریداری نماید خرید طلا در شعب بانک در ولایات اختیاری خواهد بود و خرید بر اساس قیمت مرکز با کسورات بابت حمل و نقل و ضرابخانه دولتی و بیمه و مخارج تعیین عیار بعمل خواهد آمد مخارج تعیین عیار چه در مرکز و چه در ولایات

در هر صورت بعهده فروشنده خواهد بود. فقط عرضدهانی که بین از يك کیلو گرام باشد مورد قبول و خرید خواهد شد

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم.

(معارضی نبود)

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود

ماده ۱۴ - تاریخ اجراء این قانون ده روز بعد از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست

نمایندگان - خیر

رئیس - رأی میگیریم بورد در شور دوم موافقین قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده الحاقیه آقا را میفرستیم بکمیسیون

یکی از نمایندگان - ختم جلسه

۴ - اعلام لایحه تفریح بودجه ۳۰۷ و بودجه ۱۳۰۹ مجلس]

رئیس - قبل از اینکه جلسه را ختم کنیم لازم است بعرض آقایان برسانم که اداره مباشرت لایحه تفریح بودجه ۱۳۰۷ و بودجه ۱۳۰۹ مجلس را مهیا کرده و فرستاده اند به کمیسیون محاسبات ارجاع میشود. عرض اعلام بود

۵] موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه]

رئیس - اگر توافق نظر دارید جلسه آتیه روز یکشنبه ۲۵ اسفند ماه و دستور بودجه ها اگر آمده باشد (صحیح است)

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر